

شاعر «ک مثل کپل» یک روحانی است

یکی از برنامه‌های تلویزیونی محبوب بسیاری از کودکان دهه 60 سریال یا جنگ «مدرسه موش‌ها» بود که با شعر «ک مثل کپل...» آغاز می‌شد. اما کمتر کسی می‌داند که شاعر این شعر کودکانه یک روحانی است.



یکی از برنامه‌های تلویزیونی محبوب بسیاری از کودکان دهه 60 سریال یا جنگ «مدرسه موش‌ها» بود که با شعر «ک مثل کپل...» آغاز می‌شد. اما کمتر کسی می‌داند که شاعر این شعر کودکانه یک روحانی است. این روحانی سال‌هاست تلویزیون را ترک کرده و به کنج خلوت علمی خود رفته و تحصیل و تدریس علوم دینی را در پیش گرفته است. شاعر «ک مثل کپل» حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالقاسم حسینی ژرفا است. این روزها که موش‌های خاطره‌انگیز در قالب فیلم سینمایی «شهر موش‌ها 2» برگشته‌اند **ابوالقاسم حسینی ژرفا** در گفت‌وگو با خبرنگار ادبیات خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، درباره چگونگی سرایش شعر «ک مثل کپل...» اظهار کرد: من بیش‌تر از 30 سال است در حوزه علمیه در کسوت روحانیت هستم. علت این‌که تا به حال نخواست‌ام درباره این موضوع صحبت کنم؛ چه کار «مدرسه موش‌ها» و چه خیلی از سروده‌های دیگری که برای کودکان و نوجوان داشته‌ام، این است که ممکن است آدم‌ها با این مباحث وارد حاشیه شوند.

او در ادامه درباره ماجرای سرودن این شعر گفت: من در آن زمان در رادیو و تلویزیون در جمع دوستان اداره‌کننده گروه کودک و نوجوان کار می‌کردم. البته کارمند رسمی نبودم و هیچ‌وقت هم نشدم. آقای ناصر عنصری رییس آن گروه بودند. آقای علیرضا رضاداد هم در همان گروه بودند. بنده به همراه آقای رضاداد از آموزش و پرورش به رادیو و تلویزیون رفته بودیم. حسینی ژرفا افزود: اگر اشتباه نکنم، خانمی به نام اسدی تهیه‌کننده «مدرسه موش‌ها» بودند. همسرشان هم از تهیه‌کننده‌های تلویزیون بود که دو - سه سال بعد از آن ماجرا هم به خارج از کشور رفتند و من دیگر خبری از آن‌ها ندارم. من با خانم اسدی مرتبط بودم. کار برای نوروز آن سال نوشته شده بود. شاید سال 61 یا 62 بود. وقت گرفته بودند و استودیوی تلویزیون را برای زمان مقرر گرفته بودند. آن موقع گرفتن استودیو کار سختی بود. دو - سه استودیوی خاص وجود داشت و در برنامه‌های مناسبی اگر زمان برنامه‌ای به هم می‌خورد، کل روند برنامه مختل می‌شد.

او سپس این‌گونه تعریف کرد: در گروه کودک به همراه آقای عنصری، آقای رضاداد و دوستان دیگر نشسته بودیم که خانم اسدی با نگرانی آمدند و فرمودند شعری که برای تیتراژ «مدرسه موش‌ها» گفته شده، رد شده است. زمان بسیار محدودی حدود نیم ساعت به وقت آفیش استودیو مانده بود. ایشان با ناراحتی گفتند من برای ضبط وقت گرفته‌ام. اگر شعر نرسد، برنامه به هم می‌خورد. دو - سه روز هم بیش‌تر تا عید نمانده بود. من از قبل اهل شعر بودم. آن زمان‌ها هم حداکثر حدود 20 سال داشتم. به آقای عنصری و خانم اسدی عرض کردم اگر اجازه بدهید، خودم شعر را می‌گویم. خانم اسدی خیلی خوشحال شدند. چون من از نیروهای اصلی گروه بودم، خیال‌شان راحت بود که دیگر خیلی مسأله تصویب ندارد. حساسیت‌های اول انقلاب خیلی زیاد بود. آن موقع گاه، یک تصد با کلمه که الآن، د، ف هنگ حامعه کاملا عاده، شده، حساست دانگن نه د. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالقاسم حسینی ژرفا

این شاعر ادامه داد: من به اتاق مجاور رفتم. 10 تا 15 دقیقه طول کشید. بسم‌الله گفتم، تمرکز کردم و این شعر را در هفت - هشت بیت سرودم که همین شعر «ک مثل کپل / صحرا شده پر ز گل...» بود. البته بعد که خواستند آهنگش را بگذارند، یکی - دو کلمه را تغییر دادند. از اتاق که بیرون آمدم، خانم اسدی خیلی تعجب کردند و خوشحال شدند. شعر را اجرا به گروه دادند و قصه تمام شد. بعد هم من به جهت روحیات خودم که انزواطلبم، به قم آمدم و مشغول تحصیل و بعد تدریس شدم. همیشه هم هنر را دنبال می‌کنم، اما خودم را دور نگه داشته‌ام. این همه قصه من است و هرگز نه از کسی گله دارم که چرا نامم در کار نیامده و نه دلبستگی‌ای به این مسائل دارم.

او افزود: آن سال‌ها من در صداوسیما بیش‌تر با نام خانوادگی‌ام که «حسینی» است، معروف بودم. «ژرفا» تخلص شعری من است. حالا هم در حوزه علمیه «حسینی ژرفا» و «ژرفا» نامیده می‌شوم. آن موقع به این نام شناخته نمی‌شدم؛ به همین دلیل ممکن است همکاران آن دوره مرا به نام «حسینی ژرفا» نشناسند.

حسینی ژرفا در پاسخ به این سؤال که در حال حاضر هم در زمینه شعر کودک فعالیت دارد یا نه، گفت: گاهی برای دل خودم شعر کودک می‌نویسم. حتا دوست داشتم در مجموعه شعرم که با عنوان «چشم شرقی» منتشر شد، بعضی شعرهای کودکم را بیاورم، اما بنا به این ملاحظه که در حوزه علمیه آدم‌ها به آثار و درس‌های‌شان شناخته می‌شوند و انجام بعضی کارها اگرچه عیبی ندارد، اما بیرون از صلاح شناخته می‌شود، این کار را نکردم.

او همچنین عنوان کرد: زمانی حدود دو دهه از شاعران پیرکار بودم، اما الآن مدتی است که خیلی به‌ندرت در جمعی حاضر می‌شوم که حتا شعرهای بزرگسال را بخوانم. من هم مثل اکثر شاعران انقلاب غزل کار می‌کنم. گاهی شعر نو هم می‌نویسم، اما غزل بیش‌تر تاب تحمل موضوعات انقلاب را داشت. در شعر انقلاب نوعی عرفان جمعی وجود داشت و غزل می‌توانست برای گفتن از آن پاسخ بدهد؛ به همین جهت نسل من و شاعرانی مثل علیرضا قزوه و عبدالجبار کاکایی که با هم بودیم، شاید بی آن‌که دل‌مان بخواهد، به غزل وابسته شدیم.

این شاعر در پاسخ به این سؤال که آیا با مرضیه برومند کارگردان «مدرسه موش‌ها» - هیچ آشنایی‌ای ندارد، گفت: خانم برومند

را من در ساختمان آنجا می‌دیدم. ولی من و آقای رضداداد جوان‌های تازه‌سال بودیم که آن سال‌ها تازه به تلویزیون رفته بودیم و طبیعی بود که کارگردان‌هایی که از ما باتجربه‌تر بودند با ما ارتباط مستقیم نداشته باشند، مگر این‌که برای بازخوانی متون و تصاویر نیازی پیش بیاید.

او افزود: موضوع دیگر این بود که من بیش‌تر در قسمت نوجوان بودم و خانم برومند کار نوجوان نمی‌ساختند، به همین دلیل من در خدمت‌شان نبودم. البته کودک و نوجوان یک گروه بود به ریاست ناصر عنصری، ولی در تقسیم‌بندی کارها من در بخش نوجوان بودم. آن زمان سریالی به نام «نان‌آوران» ساخته شد که من با سرکار خانمی که تهیه‌کننده آن بود، ارتباط مستقیم داشتم یا با آقای جلیلی، فیلم‌ساز مشهور، ارتباط داشتم که در بخش نوجوان بودند، اما با خانم برومند ارتباطی نداشتم.

او همچنین اظهار کرد: در آن سال‌ها تلویزیون مثل الآن نبود. خیلی وقت‌ها نام‌ها زده نمی‌شد. شاید هفت - هشت سرود هم با تم نوجوان یا کودک در همان سال‌ها ساخته شد که من گفتم، ولی اصلاً حتا کلمه‌ای از آن‌ها به خاطر نمی‌آید که نشانی بدهم. آن سال‌ها خیلی از بخش‌های برنامه‌های کودک و نوجوان مبتنی بر سرود بود و به سرود اعتنای بیش‌تری می‌شد. هر روز دست کم یک سرود داشتیم. سرودسازی رواج داشت. آن موقع مرحوم بیگلری آهنگساز کارها بودند و تعدادی از شعرهای آن سرودها را هم بنده می‌گفتم.

حسینی همچنین گفت: مقداری هم متن برای رادیو و تلویزیون نوشته‌ام. سال‌های 60 تا 64، حدود 90 درصد متن‌های برنامه‌های مناسبی را می‌نوشتیم. حدود سی‌چهار برنامه کامل مناسبی برای رادیو نوشته‌ام که خیلی طولانی و یکی دو ساعته بودند که در آن‌ها گه‌گاهی مصاحبه کار می‌شد و بقیه متن‌خوانی بود. آن موقع رادیو خیلی فعال بود. ما هم دو سه نفر بودیم که برنامه می‌نوشتیم. بیش‌ترین همکاری من با رادیو و تلویزیون همان کارها و فعالیت در ساختمان رادیو در میدان ارگ بود که خاطرات خیلی خوبی هم از آن دارم.

او درباره علت کناره‌گیری‌اش از رادیو و تلویزیون گفت: این سال‌ها را نمی‌دانم، اما قضایی که آن زمان به‌ویژه در تلویزیون وجود داشت، فضایی بود نیازمند آدم‌هایی که از روابط عمومی بسیار قوی برخوردار باشند، اجتماعی و بانشاط باشند و به تعبیر روان‌شناسانه برون‌گرا باشند، اما من از نوجوانی اهل مطالعه و اندیشیدن بودم. زمانی علی معلم روی یکی از شعرهای من نوشته بود که شعرش هم مثل اسمش ژرفاست. آدم‌های این تپیی نمی‌توانند در مجموعه‌هایی فعالیت کنند که برون‌گرایی حرف اول را می‌زند. در چنین فضاهایی افراد باید خیلی فعال باشند. من به یاد دارم که در آن سال‌ها هر بار سفر خارجی پیش می‌آمد، من خودم کناره می‌گرفتم. تا به حال هم در طول عمرم یکی - دو سفر خارجی بیش‌تر نرفته‌ام. این‌ها روحیات من است، به همین دلیل احساس کردم نمی‌توانم خیلی خودم را با تلویزیون وفق بدهم. بعد هم به حوزه آمدم. حالا هم حدود 40 کتاب دارم.

حسینی ژرفا سپس عنوان کرد: هنوز ارتباط معنوی و تماسی‌ام با صداوسیما بیش‌تر از خیلی‌هاست و دست کم چند ساعت در روز تلویزیون و همین‌طور فیلم‌های سینمایی می‌بینم و ارتباطم با هنر و موسیقی زیاد است. کارهای علمی هم در زمینه هنر انجام می‌دهم. در حوزه ما مدرسه اسلامی هنر داریم و دانشجویان فلسفه هنر و حکمت هنر پذیرش می‌کنیم. ارتباط من با فیلم و هنر هنوز هم برقرار است.

متن اجرا شده شعر «مدرسه موش‌ها»:

«ک مثل کپل

صحرا شده پر ز گل

گ مثل گردو

بنگر به هر سو

ب مثل بهار

هیچه، هیچه

فکر کن بسیار

پ مثل پسته

نباش خسته

ایبیشش!

م مثل موش

قیو، قیو، موش

برخیز و بکوش

برخیز و بکوش

خ مثل خونه

نگیر بهونه

آ مثل آواز

قصه شد آغاز»

به گزارش ایسنا، فیلم سینمایی «شهر موش‌ها 2» به کارگردانی مرضیه برومند از روز چهارشنبه، پنجم شهریورماه، بر پرده سینماهاست.